

مطالعه جامعه شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی علیه زنان (مطالعه موردی زنان متاهل شهر قزوین)

موسی سعادت‌تی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

m.saadati@soc.ikiu.ac.ir

مرتضی قلیچ

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

ghelich@soc.ikiu.ac.ir

زهرا کریمی

کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

zahrakarimyofecisociology@gmail.com

چکیده

امروزه یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی پنهان، مسئله خشونت جنسی علیه زنان است، که توسط همسران بر آنان اعمال می‌شود. خشونت جنسی بطور کلی بر روح و روان زنان تأثیرات مخربی داشته و مانع رشد و شکوفایی این قشر آینده‌ساز شده و موجبات احساس عدم امنیت در بین زنان را فراهم می‌آورد. با توجه به این مهم، پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی در بین زنان متاهل شهر قزوین انجام شده است. روش تحقیق پژوهش، از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده و جامعه آماری شامل کلیه زنان متاهل شهر قزوین می‌باشد که از میان آنان تعداد ۳۸۳ نفر از طریق فرمول آماری کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای جهت گردآوری اطلاعات لازم انتخاب شدند. نرم افزار مورد نیاز جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، نرم افزار SPSS می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان داد که رابطه خطی بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی شامل تعهد اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی با دو مولفه خشونت جنسی (خشونت فیزیکی و خشونت روانی) با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ به تأیید رسید. نوع تمامی روابط مذکور، منفی و معکوس می‌باشد. همچنین، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند متغیره حاکی از آن است که متغیرهای حاضر در مدل رگرسیونی توانسته‌اند ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته خشونت جنسی علیه زنان را تبیین نمایند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، خشونت خانگی، خشونت جنسی، زنان متاهل، خانواده

Sociological Study of the Relationship between Social Capital and Sexual Violence against Women (Case Study: Married Women in Qazvin City)

Abstract

Today, one of the most important hidden social harms is the issue of sexual violence against women, which is inflicted on them by their husbands. Sexual violence in general has destructive effects on the spirit and psyche of women and hinders the growth and prosperity of this future class and causes the feeling of insecurity among women. Considering this importance, the present study was also conducted with the aim of investigating the relationship between social capital and sexual violence among married women in Qazvin city. The research method of the research is survey type. The data collection tool is a questionnaire, and the statistical population includes all married women in Qazvin city, among whom 383 people were selected through Cochran's statistical formula and stratified random sampling to collect the necessary information. The required software for experimenting and analyzing data is SPSS software. The results of the correlation test showed that the linear relationship between the components of social capital including social commitment, social support and social participation with two components of sexual violence (physical violence and psychological violence) with 99% confidence and at a significance level less than 0.01. Confirmation received. The type of all mentioned relationships is negative and inverse. Also, the results of the multivariate regression analysis indicate that the variables present in the regression model are able to explain 43% of the changes in the dependent variable of sexual violence against women.

Keywords: Social Capital, Domestic Violence, Sexual Violence, Married Women, Family

۱. مقدمه

خشونت در خانواده مساله‌ی شایعی است که سلامتی و حقوق افراد را به خطر می‌اندازد و کم و بیش در تمام فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی-اقتصادی روی می‌دهد. فضای خانه و محیط خانوادگی یکی از بسترهای خشونت است. خشونت خانگی آثار مخربی بر جو عاطفی خانواده و همچنین فرزندان دارد، از طرفی اعمال خشونت خانگی مردان نسبت به زنان علاوه بر آثار مخرب بر نهاد خانواده دارد (سادات میری و دادور: ۲۰۱۳۸۹). چه بسا مشکلات روانی چون تنهایی، افسردگی، اضطراب، وسواس و اختلال در خوردن و خواب، سرزنش خود، اختلال روابطی و رفتاری و همچنین مشکلات فیزیکی شبیه شکستگی‌ها، آسیب اندام‌های داخلی، بیماری‌های التهابی، عفونت‌ها و... از عواقب کشنده و آسیب‌زای خشونت علیه زنان است (شامحمدی، ۱۳۹۶: ۷۳). یکی از غرایز مهم و بسیار قوی در نهاد آدمی، غریزه جنسی است که ضامن بقای نسل بشر است. در گذشته جامعه بین‌المللی توجه لازم را نسبت به جرائم علیه زنان به ویژه تبعیض جنسیتی و خشونت‌های علیه آنان مبذول نمی‌داشت. بخشی از این بی‌توجهی شاید ناشی از آن باشد که حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، معمولاً خشونت‌های جنسی^۱ را جرمی علیه حیثیت و شرافت زن و نه یک خشونت جسمی علیه وی دانسته و بنابراین برای آن اهمیتی کمتر از جرائمی چون شکنجه قائل شده است. جرائم مبتنی بر جنسیت با وجود گستردگی و وسیع بودن دایره شمول آن در باب جرائم جنسی و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت مطابق اسناد موجود بین‌المللی در مورد زنان و به خصوص در روابط زناشویی، متأسفانه هنوز بطور کامل در قوانین داخلی ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است. هرچند بررسی دقیق ابعاد خشونت جنسی در روابط زناشویی بسیار دشوار بوده و نمی‌توان مطالعه دقیقی درباره آن انجام داد. تا جاییکه می‌توان گفت ۷۰٪ زنان در طول زندگی، درگیر نوعی از خشونت از طرف شریک زندگی خود می‌شوند. در گزارش بخش زنان سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ آمده است، احتمال بروز افسردگی و سقط جنین در زنانی که تحت سوءاستفاده جنسی از طرف شریک زندگی خود قرار می‌گیرند، دو برابر دیگران بوده و همچنین احتمال ابتلا به ایدز در این زنان یک و نیم برابر بقیه است. حداقل ۱۲۰ میلیون زن و دختر در جهان، یکبار در زندگی خود مورد تجاوز جنسی یا اعمال جنسی همراه با اجبار و زور قرار گرفته‌اند که متأسفانه اکثر این تجاوزات توسط همسر یا شریک جنسی قبلی صورت گرفته است (بیگی و آشنا، ۱۳۹۸: ۱۱۷). آمارهای طلاق و تعداد بالای پرونده‌های خانوادگی در دادسراها و

1. Sexual Violence

دادگاه ها نشان دهنده وجود تنش ها و خشونت خانوادگی در جامعه ایران می باشد. قربانیان این خشونت معمولاً زنان هستند (یعقوبی و رئوفی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). آزارگری جنسی شامل پیشنهادات جنسی ناخواسته، درخواست ناخواسته برای نفع جنسی و دیگر رفتارهای کلامی، غیرکلامی و فیزیکی با ماهیت جنسی و بر اساس کلیشه های جنسی یا جنسیتی می شود که به صورت آشکار یا ضمنی شرایط شغلی، وضعیت تحصیلی و فعالیت ها و برنامه های فرد را تحت تاثیر قرار می دهد؛ بر عملکرد شغلی یا تحصیلی فرد اثر می گذارد؛ محیط کاری و تحصیلی خصمانه، تهدید آمیز و خشن می سازد. در کشور ما آمار رسمی درباره آزارهای جنسی در افراد چه مجرد چه متأهل وجود ندارد اما تحقیقات رسمی کشور آمریکا نشان داده است که تقریباً یک زن از هر دو زن قربانی خشونت جنسی شده اند (غیر از تجاوز) (یونسی و جعفری، ۱۳۹۷: ۱۰). در ایران، تنها در سالهای اخیر به این موضوع توجه شده و بیشتر بررسی ها بر دیگر مولفه های خشونت خانگی علیه زنان متمرکز بوده است. در سالهای اخیر کژکارکردی های جنسی در ازدواج، سبب شده است که مطالعه ی بیشتری در روابط جنسی زوج ها انجام شود (رازقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲).

در بحث خشونت این موضوع که زنان بطور قاطع بیش از مردان قربانی خشونت هستند به عنوان امری مسلم پذیرفته شده است. بنابر آمار جهانی حدود ۹۰٪ از قربانیان خشونت خانگی زنان و تنها ۱۰٪ مردان هستند. آنچه تاسف برانگیز است این است که زنان به عنوان گروهی ویژه همچنان که در جامعه مورد خشونت قرار می گیرند و قربانی انواع خشونت های بدنی و روانی می شوند که آثار و پیامدهای سوء برای آنها بوجود می آورد. واقعیت این است که خشونت ممکن است اثرات طولانی مدتی بر رفتار فرد قربانی باقی بگذارد و سلامت جسمی - روانی و قدرت سازگاری او را کاهش دهد و روابط خانوادگی و اجتماعی او را از حال عادی خارج سازد. از آنجا که سرمایه اجتماعی نقش موثری در کاهش هزینه های فعالیت ها و موفقیت افراد در دستیابی به اهداف خود دارد، یکی از موضوعات پژوهشی مرتبط با نهادهای اجتماعی است. طی چند دهه گذشته فرسایش شدیدی در سرمایه اجتماعی، هم درون خانواده و هم در بیرون آن رخ داده است. سرمایه اجتماعی که شاخص برجسته آن میزان گفتگو در مورد موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی بین همسران است کاهش یافته است (عباسی اسفجیر و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۳). سرمایه اجتماعی را می توان یکی از عوامل تاثیرگذار بر میزان فعالیت مجرمانه در اجتماع در نظر گرفت. همچنین به نظرمی رسد که سرمایه اجتماعی در تعیین احتمال روی آوردن افراد خاص به رفتار مجرمانه نقش بازی می کند. بطور کلی، بروز خشونت علیه زنان می تواند ناشی از کمبود اعتماد و همکاری بین زن و شوهر و در نتیجه کمبود سرمایه اجتماعی خانواده باشد (ملکی و نژادسبزی، ۱۳۸۹: ۳۴). سرمایه اجتماعی را میتوان تاثیر اقتصادی مولفه های فرهنگی یک سیستم اجتماعی دانست که در آن مولفه هایی نظیر: اعتماد، مشارکت داوطلبانه، هنجارهای حرفه ای، پاسخگویی و موارد مشابه باعث می شود تا هزینه های مدیریتی نظیر نظارت و کنترل رسمی، رایزنی های مدیریتی، کندی ناشی از سیستم بوروکراتیک و موارد دیگر و امکان استفاده از زمان و سرمایه در جهت انجام فعالیت ها با بهره وری بیشتری انجام گردد (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۱۳). در حوزه خانواده، سرمایه اجتماعی باعث می شود اعتماد، مشارکت و احساس تعهد به زندگی در زوجین زیاد شده و استحکام خانواده بیشتر شود و به عنوان سپری در برابر انواع خشونت های خانگی علیه زنان عمل نماید (سوری، ۱۳۹۲: ۵۰). در این راستا تحقیق حاضر نیز درصدد پاسخگویی به سئوالات زیر نوشته شده است:

-میزان سرمایه اجتماعی در بین زنان متاهل شهر قزوین در چه حدی است؟
- خشونت جنسی علیه زنان متاهل در شهر قزوین به چه میزانی است؟
- چه رابطه ای بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی علیه زنان متاهل شهر قزوین وجود دارد؟

۲. پیشینه نظری

بحث سرمایه اجتماعی، قبل از سال ۱۹۱۶، در مقاله ای توسط هانی فان^۱ از دانشگاه ویرجینیای غربی برای نخستین بار مطرح شد. اما، علی رغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی تا سال ۱۹۶۰ میلادی که توسط جین جاکوب^۲ در برنامه ریزی شهری به کار برده شد، شکل جدی به خود نگرفت. در دهه ۱۹۷۰، این تئوری توسط لوری وارد عرصه اقتصاد شد. لوری، از تئوری سرمایه اجتماعی برای انتقاد از نظریات نئوکلاسیک و ناعادلانه بودن توزیع درآمد استفاده کرد. جیمز کلمن^۳ (۱۹۸۸)، برای اولین بار این مفهوم را در آمریکای شمالی وارد عرصه سیاسی کرد. تلاش های وی در اروپا توسط پوتنام پیگیری شد. تئوری سرمایه اجتماعی، عمدتاً با نظریه های بوردیو^۴، کلمن و پاتنام^۵ تکامل پیدا کرد (الوانی و همکاران، ۱۳۸۱: ۴). مفهوم سرمایه اجتماعی، ریشه در افکار جامعه شناسان کلاسیک دارد. تاکید دورکیم بر بررسی همبستگی اجتماعی و خاستگاه آن، و همچنین تعلق خاطر دوتوکویل به نهادهای مدنی، برجسته ترین نمونه ها به شمار می رود. اما هیچکدام از آنها بطور مستقیم اصطلاح «سرمایه اجتماعی» را به کار نبرده اند. اولین بار در قرن بیستم این اصطلاح مورد استفاده قرار گرفت که در ابتدا بیش از آنکه یک «مفهوم» باشد، استعاره ای بود برای اشاره به اهمیت شبکه های اجتماعی (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳). سرمایه اجتماعی را به طور کلی می توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی اند و کنش جمعی را تسهیل می کنند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن حاصل می شوند، دربرگیرنده: اعتماد، هنجارهای مشارکتی و شبکه هایی از پیوندهای اجتماعی است که موجب گردآمدن افراد به صورتی منسجم و باثبات در داخل گروه به منظور تامین هدفی مشترک می گردد (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

از نظر پییر بوردیو، سرمایه اجتماعی «مجموع منابع بالفعل و یا بالقوه ای را در بر میگیرد که به مالکیت یک شبکه پایدار متصل است». شبکه ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه اجتماعی برخوردار میکند و آنان را مستحق «اعتبار» می سازد. بدین سان حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می تواند به طرز موثر بسیج کند (شیانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲). از دیدگاه پییر بوردیو سرمایه اجتماعی، جمع منابعی واقعی یا بالقوه ای است که حاصل از شبکه ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل - یا به بیان دیگر، با عضویت در یک گروه - است. شبکه ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار میکند و آنان را مستحق «اعتبار» می سازد. به اعتقاد بوردیو سرمایه اجتماعی چیزی است که در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر بوردیو، سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا

¹ hanyfn

² Jane jacob

³ James kelman

⁴ Pierre Bourdieu

⁵ Robert D. Putnam

بلند مدت قابل استفاده هستند. در واقع، سرمایه اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی است. تاکید بورديو بر مشارکت فرد در شبکه های اجتماعی است که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می شود. در دیدگاه بورديو، سرمایه اجتماعی نوعی محصول اجتماعی است که ناشی از تعامل اجتماعی می باشد (تنهایی و همکاران، ۱۳۸۸؛ ۴۲-۴۴).

به اعتقاد جیمز کلمن سرمایه اجتماعی، بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات مجاری اطلاع رسانی، هنجارها و ضمانت اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده، یا منع می شوند. سرمایه اجتماعی مجموعه ای از عناصر متفاوت است که دارای دو ویژگی مشترک است. تمام این عناصر دارای برخی از جوانب ساختار اجتماعی بوده و برخی از کنش های افراد واقع در درون ساختار را تسهیل می نماید. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی، نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه «خانواده» عمل نماید. کلمن وجود سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع رسانی و ضمانت اجرایی کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه میداند. به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی می تواند به سه شکل در خانواده حاضر شود: اول، تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابلیت اعتماد به محیط اجتماعی دارد. دوم، ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه ای برای کنش فراهم نمود. سوم، وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی موثر هستند. کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی در یک تعامل اجتماعی (ذهنی- عینی) خلق می شود و از نظر کلمن سرمایه اجتماعی در نهایت برای افراد سرمایه انسانی را به همراه دارد (شکریگی، ۱۳۹۶: ۱۸۹).

رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه ی یک اجتماع می شود و در نهایت منافع متشکل آنان را تامین خواهد کرد. پاتنام استدلال می کند که اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های اساسی سرمایه اجتماعی، روح همکاری، یکپارچگی و انسجام را در شهروندان تزریق می کند. اعتماد اجتماعی به افراد کمک می کند تا روح همکاری در میان آنها از طریق رفتارهای مشترک توسعه یابد (باقری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۱-۴۰). به نظر پاتنام، زندگی در جامعه ای که دارای میزان قابل ملاحظه ای از سرمایه اجتماعی می باشد راحت تر است، چراکه شبکه های اجتماعی هنجارهای قدرتمند بده بستان فراگیر را تقویت کرده و مشوق ظهور اعتماد اجتماعی هستند. این چنین شبکه هایی، همکاری و ارتباطات را تسهیل کرده، به اعتبارها افزوده و از این راه، غلبه بر معماهای کنش جمعی را ممکن می سازند. از این رهگذر، شبکه های مترکمی می توانند مفهوم «خود» مشارکت کنندگان را گسترش داده و «من» را به «ما» تبدیل کنند یا «تمایل» مشارکت کنندگان برای کنش جمعی را تقویت کنند (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۳۴۷).

به نظر فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی متعلق به گروه است و نه به افراد. هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند، در صورتی معنی دارد که بیش از یک فرد در آن سهیم باشد. گروهی که حامی سرمایه اجتماعی اند ممکن است به کوچکی دو دوست باشند که با یکدیگر تبادل اطلاعات می کنند یا در پروژه ای مشترک همکاری می کنند، و یا ممکن است در مقیاس بزرگتری تمامی یک ملت باشد (غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳). وی همچنین در رابطه با سرمایه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی را به دو قسمت تقسیم می کند: هنجارهای مولد سرمایه

اجتماعی، که به ارتقای همکاری میان اعضای گروه منجر می شود و اساسا شامل سجایایی چون صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه می باشد. اما هنجارهای غیر مولد سرمایه اجتماعی، کمکی به ارتقاء همکاری میان اعضای گروه نخواهد کرد. پس ممکن است در جامعه ای سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل را نبینیم ولی هنجارهای اجتماعی قوی، آن هم از نوع غیر مولد سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد، مثل عدم اعتماد به دیگران. جامعه ای که افراد حتی نباید به پدر و مادر خود اعتماد کنند دارای یک هنجار اجتماعی قوی غیر مولد سرمایه اجتماعی است (کلدی، ۱۳۸۴: ۱۸۸).

نان لین، با طرح " نظریه ی منابع اجتماعی " مشخصا این مسئله را مطرح کرده است که دستیابی به منابع اجتماعی و استفاده از منابع نهفته در شبکه های اجتماعی می تواند به موقعیت های اجتماعی - اقتصادی بهتر منجر شود. بر همین اساس لین در سال های اخیر (۱۹۸۸)، سرمایه ی اجتماعی را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می کند که با کنش های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. به این ترتیب از نظر لین، سرمایه ی اجتماعی از سه جزء تشکیل شده است: منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به این گونه منابع اجتماعی و استفاده یا گردآوری این گونه منابع اجتماعی در کنش های هدفمند. لین منابع ارزشمند در اکثر جوامع را ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی معرفی می کند و لذا سرمایه ی اجتماعی افراد را برحسب میزان یا تنوع ویژگی های دیگری که فرد با آنها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم دارد قابل سنجش می داند. وی منابع نهفته و (موقعیت های شبکه ای) را دو عنصر مفهومی مهم سرمایه ی اجتماعی قلمداد می کند و نتایج سرمایه گذاری افراد در روابط و شبکه های اجتماعی را در ارتباط با دو نوع کنش ابزاری و کنش اظهاری طبقه بندی می نماید. برای کنش ابزاری سه گونه بازگشت سرمایه (بازدهی) را مطرح می کند: بازدهی اقتصادی (ثروت)، بازدهی سیاسی (قدرت) و بازدهی اجتماعی (شهرت) و برای مورد اخیر می نویسد: (به نظر من شهرت یکی از شاخص های بازدهی اجتماعی است. شهرت را می توان به مثابه نظرات مساعد یا نامساعد درباره ی فرد در یک شبکه ی اجتماعی تعریف کرد) (زنجان زاده، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۶). به طور کلی، لین، از سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی ارتباطی^۱ یاد می کند و سرمایه گذاری در این شکل از سرمایه، نه بر روی فرد بلکه بر روی روابط صورت می گیرد، یعنی این که افراد برای دستیابی به سود، در تعاملات و شبکه سازی شرکت می کنند.

آنتونی گیدنز نیز در حوزه سرمایه اجتماعی بر مولفه تعهد و اعتماد تاکید می نهد. وی بنیاد و سرمنشاء انواع اعتماد را اعتماد بنیادی می داند که حاصل نوعی اجتماعی شدن ناخودآگاه است که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می گیرد. گیدنز معتقد است اگر این اعتماد در کودکی به خوبی شکل بگیرد، پایه و بنیاد همه گونه اعتماد بعدی در زندگی فرد می شود. نوع دوم اعتماد از نظر گیدنز اعتماد متقابل بین شخصی است که برای ایجاد آن فرد هم باید به دیگران اعتماد کند، هم خودش مورد اعتماد باشد. سومین نوع اعتماد، اعتماد انتزاعی است. گیدنز معتقد است در جوامع مدرن اعتماد به اصول شخصی و اعتماد به افراد ناشناس برای زندگی اجتماعی گریز ناپذیر شده است. وجه عمده اعتماد در این عصر پایبندی های بی چهره ای است که عمدتا در نظام های تخصصی معنا می یابد.

او ماهیت نهادهای مدرن را عمیقا وابسته به سازوکارهای اعتماد به نظام های انتزاعی به ویژه نظام های تخصصی می داند. نوع دیگری از اعتماد که گیدنز تاکید می کند، اعتماد فعالانه است که خاص جوامع پساسنتی است. در این جوامع هیئت سیاسی ملی تنها به یکی از مرجع های زندگی فرد در میان مراجع گوناگون دیگر تبدیل می شود. بسیاری از آدم ها ممکن است به آنچه در زمینه سیاسی متعارف می گذرد، گوش ندهند و برای برخی اصلا مسائل سیاسی مهم نباشد، لیکن بسیاری از آدم ها به مراتب بیشتر از دوره مدرن به چگونگی حکومت شدنشان می اندیشند گیدنز، جو دارای اعتماد را با اصطلاح پيله حفاظتی می آورد که در حقیقت، نوعی پوشش اطمینان بخش است که به حفظ و تداوم زندگی یاری می رساند.

خشونت حالتی از رفتار است که در آن فردی با استفاده از نیروی فیزیکی و یا غیرفیزیکی خواسته ی خود را به دیگران تحمیل می کند؛ در مفهوم اجتماعی، خشونت را می توان « وارد آوردن نوعی فشار و نیروی فیزیکی از سوی یک نهاد، یک فرد و یا یک گروه، بر نهاد یا گروهی دیگر دانست که با هدف وادار کردن آن نهاد یا فرد، به انجام کاری برخلاف میل و اراده شان انجام بگیرد. از این رو خشونت در برابر اراده، میل و آزادی قرار می گیرد (یار ارشدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ۱۴۹-۱۴۸). خشونت طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت عبارت است از تهدید یا تمایل یا اقدام به استفاده ی عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، علیه خود یا دیگری ، یا جامعه که موجب بروز آسیب جسمانی، مرگ، آسیب روانی، ضعف رشد و یا انواع محرومیت ها شود و خشونت خانگی عبارت است از خشونتی که بین افراد خانواده و شرکای زندگی رخ می دهد که اغلب و نه همواره در درون منزل اتفاق می افتد (علمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

۳. پیشینه تجربی

یافته های پژوهش رزاقی و همکاران (۱۳۹۹)، با عنوان « بررسی رابطه رضایت جنسی با تعارضات زناشویی زنان»، نشان داد که بین رضایت جنسی و تعارضات زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد و توجه به داشتن رضایت جنسی در رابطه زناشویی در مداخله های درمانی و آموزش های خانواده، ضروری به نظر می رسد.

نتایج پژوهش بنی فاطمه و همکاران (۱۳۹۷)، با عنوان « استرس و خشونت فیزیکی مردان علیه زنان: یک تحقیق کیفی»، نشان می دهد خشونت فیزیکی مردان علیه زنان بازتاب فشار ها و استرس های متعددی است که بر آنها وارد می شود. به این معنا که خشونت مردان علیه زنان در خانواده نمایانگر واکنش مردان در برابر فشارهای بیرونی و درونی موجود در حوزه های عمومی و خصوصی است. مفهوم « استرس» در این مطالعه نوعی واکنش منفی مردانه به شرایط و وضعیت حاکم بر جامعه ای است که اعمال خشونت علیه زنان بخشی از تبعات آن شرایط است.

نتایج پژوهش نیکدل و جاودانیان (۱۳۹۷)، با عنوان « طرحواره های شناختی پرخاشگر، شیوه های کنترل خشم و رضایت جنسی با گرایش مردان به خشونت علیه زنان»، نشان داد که طرحواره های شناختی پرخاشگر نقش مهمی در ثبات خشونت در طول زمان و در موقعیت های مختلف دارند. تمایلات جنسی که نشان دهنده ی سلطه مردانه است در صورت ناکامی می تواند یکی از ابعاد مهم طرحواره پرخاشگر یعنی مجاز دانستن انتقام برای انجام رفتارهای خشن فعال کرده و فقدان مهارت های کنترل خشم این گرایش را تشدید می کنند.

نتایج پژوهش عباسی اسفجیر (۱۳۹۵)، با عنوان «بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر خشونت علیه زنان در خانواده در شهر بابلسر»، نشان داد که رابطه معکوس و معناداری بین سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده و خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان مشاهده شده است. این بدین معناست که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، میزان خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان نیز کاهش می یابد.

نتایج پژوهش یعقوبی و رئوفی (۱۳۹۳)، با عنوان « بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان خشونت علیه زنان (مطالعه موردی زنان متاهل شهر خلخال)»، به شیوه پیمایشی نشان می دهد که دخالت اطرافیان، جایگاه اقتصادی زوجین، پذیرش اقتدار مرد، فاصله ی سنی زوجین و خشونت در خانواده ی خاستگاه تاثیر مثبتی بر خشونت علیه زنان دارد. در حالیکه علاقه زوجین، منابع حمایتی اجتماعی، تحصیلات زوجین، قدرت زن در ساختار خانواده ارتباط معکوسی با خشونت علیه زنان دارند.

نتایج پژوهش محمدی و میرزائی (۱۳۹۱)، با عنوان « بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر)»، حاکی از آن است که خشونت در جامعه موردنظر در ابعاد مختلف وجود دارد. بیشترین میزان خشونت رایج، خشونت روانی و خشونت جنسی و کمترین میزان خشونت، خشونت اقتصادی است و بین تصویر اقتدارگرایانه مرد از نقش خود و خشونت علیه زنان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد و بین کمک و همکاری شوهر در کارهای منزل با خشونت علیه زنان رابطه معکوس و معنی داری مشاهده شد.

نتایج پژوهش عنایت و دهقانی (۱۳۹۱)، با عنوان «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان (مطالعه موردی: شهرستان کهگیلویه)»، با روش پیمایشی حاکی از آن است که عوامل موثر بر خشونت شوهران علیه زنان در چرخه ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی تمرکز یافته در میان خانواده ها جریان دارد.

نتایج پژوهش علیوردی نیا و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان «تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان:مدلی نظری و آزمونی تجربی»، نشان داد که قدرت زن در ساختار خانواده، خشونت پذیری، خشونت در خانواده خاستگاه و پایگاه اجتماعی-اقتصادی نسبی زوجین رابطه معناداری با خشونت شوهران علیه زنان داشته است.

نتایج پژوهش یعقوبی دوست و عنایت (۱۳۹۰)، با عنوان « بررسی جامعه شناختی عوامل موثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان (مورد مطالعه: دبیرستان های دخترانه شهر اهواز)»، با روش پیمایشی نشان داد که بین متغیرهای (انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و جمعیت (خانوار) با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد و نتایج بدست آمده از رگرسیون چندگانه نیز نشان دادند که متغیر انزوای اجتماعی بیشترین تاثیر را نسبت به متغیرهای دیگر پژوهش، برای پیش بینی بالای متغیر وابسته داشته است. با توجه به یافته های موجود، تحقیق حاضر، این مساله نیازمند توجه هرچه بیشتر خانواده ها و مسئولان جهت پیشگیری، کنترل و کاهش تبعات منفی آن را در سطح خانواده و جامعه نشان می دهد.

نتایج پژوهش ملکی و نژادسبزی (۱۳۸۹)، با عنوان «رابطه ی مولفه های سرمایه ی اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد»، حاکی از آن است که کمترین تجربه ی خشونت خانگی در حوزه ی خشونت فیزیکی مستقیم و بیشترین موارد در حوزه ی خشونت فیزیکی غیرمستقیم و روانی-عاطفی است. در حدود نیمی از

افراد بررسی شده دارای سرمایه اجتماعی خانوادگی در حد زیاد و خیلی زیاد و مابقی دارای سرمایه اجتماعی متوسط و کم بودند. سرمایه‌ی اجتماعی و مولفه‌های آن نقش تعیین‌کننده‌ای در خشونت خانگی علیه زنان داشتند، به نحوی که سرمایه‌ی اجتماعی به تنهایی ۵۱ درصد واریانس خشونت خانگی را تبیین می‌کند، در تحلیل چند متغیره، پس از سرمایه‌ی اجتماعی، متغیر تحصیلات زن مهمترین تبیین‌کننده‌ی خشونت خانگی علیه زنان و موثرترین منبع بالارزش اجتماعی در فرایند توانمندسازی زنان شناخته شد.

نتایج پژوهش ساریچلو و همکاران (۱۳۸۸)، با عنوان «خشونت‌های خانگی علیه زنان و مداخله جهت پیشگیری در منطقه مینودر و کوثر قزوین نشان داد که زنان برای رهایی از خشونت‌های خانگی باید مهارت‌های بسیاری از جمله مهارت‌های ارتباط با همسر و روابط بین فردی را فراگیرند. به علاوه برای کاهش این نوع خشونت‌ها لازم است مردان به عنوان عاملین خشونت نیز مهارت ارتباط بین فردی را بیاموزند.

نتایج پژوهش السان (۱۳۸۵)، با عنوان «جرم‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان»، نشان می‌دهد که، رضایت بزه دیده، در وقوع و سختی پیشگیری از خشونت جنسی تاثیر زیادی دارد و دولت و محاکم قضایی باید حقوق قانونی بزه دیدگان چنین جرایمی را مورد توجه ویژه قرار دهند. پیشگیری از خشونت جنسی علیه زنان، در درجه نخست نیازمند فرهنگ سازی و درک صحیح تفاوت «بزه دیدگی و بزه پذیری زنان» و در وهله دوم، نیازمند التزام دولتها به حمایت از زنان بزه دیده و تعامل بین المللی دولتهاست.

نتایج پژوهش هرماندز و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، با عنوان «ترس از جرم؛ نابرابری‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی: آزمونی تجربی در پرو»، به شیوه پیمایش و با استفاده از تحلیل چندسطحی جهت نظرسنجی از خانواده، نشان داد که سوءاستفاده فیزیکی یا جنسی از اعضای خانواده و جرایم جنسی قوی‌ترین عامل ترس از جرم است و متغیر سرمایه اجتماعی رابطه معنادار و معکوسی با متغیر ترس از جرم داشته است.

پژوهشی توسط کوجا و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، با عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی و سوء استفاده سالمندی در بین افراد مسن: مطالعه موردی سالمندی در ژاپن» به شیوه پیمایش انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که آزارهای جسمی، روانی و مالی به ترتیب ۱/۲۶، ۱۱/۱۲ و ۱/۴۵ درصد گزارش شد. عوامل مرتبط با افزایش احتمال تجربه آزار عبارتند از زن بودن، زندگی با اعضای خانواده، داشتن سلامتی ضعیف و داشتن افسردگی خفیف یا شدید. در مقابل، سن بالای ۸۵ سال، بیوه بودن یا مجرد بودن و داشتن دیدگاه مثبت نسبت به اعتماد جامعه با خطر کمتری برای تجربه سوء استفاده همراه بود. همچنین، در حالی که عوامل جمعیت‌شناختی و سلامتی رابطه معناداری با سالمند-آزاری داشته است، یافته‌های پژوهش مبنی بر اینکه اعتماد در جامعه خطر خشونت را کاهش می‌دهد، تاثیر معنادار سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد.

نتایج تحقیق آهنلوند و همکاران^۳ (۲۰۲۰)، با عنوان «شیوع و همبستگی خشونت جنسی، جسمی و روانی علیه زنان و مردان ۶۰ تا ۷۴ سال در سوئد»، به شیوه پیمایش و با ابزار پرسشنامه با حجم نمونه ۲۸۰۰ زن و مرد، نشان داد که خشونت جنسی رایج‌ترین شکل خشونت علیه زنان بود. خشونت روانی منظم و مکرر رایج‌ترین شکل خشونت

1. Hernández & et al
2. Koga & et al
3. Ahnlund et al

علیه مردان گزارش شده است. تفاوت‌های جنسیتی بیشتری در رابطه با ویژگی‌های قربانی پیدا شد. در حالی که بین زنان قربانی خشونت، متغیرهای جمعیت شناختی، سلامت و همچنین سرمایه اجتماعی با خشونت آنان ارتباط معناداری داشت، تنها متغیر سلامت با قربانی شدن خشونت در سال گذشته در میان مردان از نظر آماری معنادار بود. در میان زنان، مشکلات اقتصادی، علائم اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، عدم اعتماد به افراد دیگر، و نداشتن کسی برای صحبت با قربانی شدن خشونت همراه بود. سلامت روانی ضعیف و مصرف در معرض خطر الکل با قربانی شدن خشونت در میان مردان مرتبط است.

نتایج پژوهش بانارجی (۲۰۱۸)، با عنوان «شناسایی عوامل خشونت جنسی علیه زنان و حمایت از حقوق آنها در بنگلادش»، نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی و مردسالاری، ازدواج، رویه فرهنگی، موانع دسترسی به عدالت، از عوامل اصلی جنسی خشونت جنسی در بنگلادش هستند.

نتایج پژوهش مرو و همکاران (۲۰۱۷)، با عنوان «سرمایه اجتماعی و بهداشت»، نشان می‌دهد که تمامی مولفه‌های سرمایه اجتماعی (حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی) با متغیر بهداشت و سلامتی رابطه معناداری و مثبتی داشته است.

نتایج پژوهش نورمنیزا و همکاران (۲۰۱۷)، با عنوان «فرار از خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی در مورد زنانی که شوهران بد دهنشان را ترک کردند»، نشان داد که از جمله عوامل موثر بر خشونت خانگی عبارت از حمایت اجتماعی، تعهد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین زنان مورد مطالعه است.

نتایج پژوهش سیما و یاس (۲۰۱۷)، با عنوان «خشونت‌های زناشویی و عفونت‌های مقاربتی در زنان مصر پس از انقلاب»، نشان می‌دهد که تقریباً یک سوم زنان علائمشان نشان می‌داد که در ۱۲ ماه گذشته خشونت جسمی یا جنسی شریک زندگی را تجربه کرده بودند. نتیجه اینکه مداخلات بهداشت عمومی که سلامت جنسی و تولید مثل زنان را مورد نیاز قرار می‌دهد باید راهکارهای مقابله با خشونت و پیشگیری را در نظر بگیرند.

نتایج پژوهش عابد و همکاران (۲۰۱۷)، با عنوان «نقش پزشکی قانونی در ارزیابی خشونت جسمی غیرکشنده علیه همسرانشان در اردن»، حاکی از آن است که از ۱۵۸ نفر زن مراجعه کننده، ۸۷ زن جراحات‌های متعدد داشتند. اکثر آسیب‌ها، آسیب‌های بافتی بودند. نتیجه اینکه خشونت صمیمانه شریک زندگی می‌تواند طیف وسیعی از صدمات را از جزئی گرفته تا ... داشته باشد و بطور بالقوه تهدید کننده زندگی است. پزشکی قانونی در مستندسازی و ارزیابی این صدمات و مشاوره به سیستم قضایی در این موارد نقش دارد. این‌ها همه عناصر اصلی در افزایش آگاهی از ماهیت و میزان این نوع رفتار و تاثیر آن بر زنان (و مردان) و مردم دیگر است.

نتایج پژوهش لین (۲۰۱۷)، با عنوان «بررسی تاثیر خارج از مسیر مورد ضرب و شتم: خشونت، زنان و هنر»، موضوعات زیر را برجسته می‌کند: خشونت یادگیری و دانستن، قدرت هنر؛ و دعوت به عمل، اشاره دارد به اینکه پتانسیل استفاده نشده هنر به عنوان یک استراتژی برای تاثیرگذاری بر مسئله خشونت مبتنی بر جنسیت است.

نتایج پژوهش ژانگ وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، با عنوان «سرمایه اجتماعی و افسردگی قبل از زایمان در میان نخست‌های چینی: بررسی مقطعی»، نتایج نشان داد که شیوع افسردگی قبل از زایمان در بین گروه‌هایی با مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی بطور قابل توجهی پایین تر از کسانی بود که در زیر گروه نمره پایین تر گرفتند.

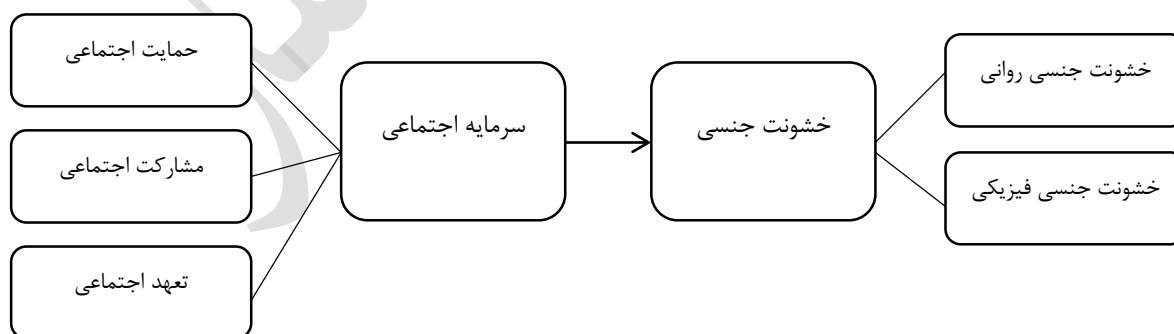
نتایج پژوهش استیکلیتز و همکاران (۲۰۱۱)، با عنوان «خیانت، حسادت و همسرآزاری در میان کشاورزان، آزمایش فرضیه های تکاملی درگیری زناشویی»، نشان داد که نقش حسادت و خیانت مردان نسبت به همسر در افزایش اختلاف زناشویی و همسرآزاری به خوبی اثبات شده است. ولی نقش حسادت زنان نسبت به خیانت شوهران چندان مورد توجه قرار نگرفته است، مطابق تجزیه و تحلیل های چند متغیره پرخاشگری مردان نسبت به همسرانشان نشان داد که مردان از منابع خانوادگی برای منافع خودخواهانه خود استفاده کنند.

تحقیق دیگری تحت عنوان «عوارض خشونت خانگی: PTSD میان زنان کتک خورده» توسط رونیت شرحبانی^۱ و همکاران (۲۰۰۳)، در یک نمونه ای از زنان اسرائیل با هدف بررسی میزان PTSD بین زنان کتک خورده و افسردگی انجام شد. نتایج نشان داد که ۵۱٫۶٪ از زنان خشونت دیده، PTSD کامل داشتند. زنان خشونت دیده بطور معنی داری سطوح بالاتری از نشانه های افسردگی را نسبت به زنان عادی داشتند، زنان خشونت دیده بطور معنی داری نسبت به زنان معمولی دارای نشانه های PTSD بودند. و اینکه بین خشونت خانگی و PTSD رابطه معنی داری حاصل آمد و همچنین بین تمامی ابعاد خشونت شامل خشونت های فیزیکی، روانی، جنسی و مالی با افسردگی رابطه معنی داری حاصل شد (شرحبانی و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۳۳۵).

نتایج پژوهش اولیری و همکاران (۱۹۹۹)، با عنوان «رویکردهای خاص جنسیتی»، نشان می دهد که در طول درمان، شوهرها ۴۷٪ از پرخاشگری روانی و ۵۱٪ از پرخاشگری جسمی زنان را کاستند. در طی سال بعد از درمان فقط یک چهارم شوهرها بدون خشونت بودند. هدف از این مطالعه ارائه مقایسه ای از اثر دو روش درمانی، درمان خاص جنسیتی (زنان و مردان) و درمان مشترک با تمرکز بر کاهش پرخاشگری روانی و جسمی زنان است. نتیجه اینکه هیچ روش درمانی از نظر ایمنی و اثربخشی برای افراد داوطلب برتری نداشت.

۴. مدل نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر مبتنی بر آراء اندیشمندانی چون بوردیو، کلمن، فوکویاما، پاتنام، لین و گیدنز می باشد. با توجه به پیشینه نظری و تجربی، مدل نظری پژوهش به صورت زیر تدوین می گردد:



شکل شماره (۱): مدل نظری پژوهش

۵. فرضیه های تحقیق

- بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی علیه زنان متاهل شهر قزوین رابطه وجود دارد.

خشونت از نظر لغوی به معنای غضب، درشتی و تندی کردن، تعریف شده است. خشونت طیفی از رفتارهای بسیار تند و آسیب زا تا عکس العمل های منفی چون بی تفاوتی و کم توجهی را دربر دارد (شادمانی، ۱۳۹۷: ۶۴). خشونت خانگی، خشونتی است که با قصد و نیت آشکار یا پنهان برای وارد کردن آسیب فیزیکی، روانی، اجتماعی به زوج دیگر صورت می گیرد (نیرمانی و محمدیان، ۱۳۸۴: ۱۰۷). در پژوهش حاضر، مولفه های خشونت جنسی فیزیکی و خشونت جنسی روانی مورد سنجش قرار گرفته است.

در این پژوهش نوع اعتبار، صوری می باشد، به این معنی که برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه گیری از نظر اساتید برای بررسی مفهومی استفاده شده است. جهت برآورد پایایی ابزارهای اندازه گیری نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای به دست آمده برای تمامی متغیرها بالای ۰/۷ بوده و از نظر آماری مورد تایید است.

جدول شماره (۱): ضریب پایایی مولفه های سرمایه اجتماعی

مولفه	گویه ها	ضریب پایایی مولفه ها	ضریب پایایی کل
تعهد اجتماعی	من به زندگی خود متعهد هستم	۰/۷۹۳	۰/۷۸۶
	من به همسرم خیانت نمی کنم		
	حس میکنم ممکن است همسرم روزی به من خیانت کند		
	از اینکه همسرم بدون من خوشگذرانی کند ناراحت می شوم		
حمایت اجتماعی	خانواده همسرم به من احترام می گذارند	۰/۷۸۱	۰/۷۸۶
	همسرم برای من ارزش زیادی قائل است		
	همسرم بمن عشق می ورزد		
	همسرم نسبت به من بی اعتنا است		
	همسرم در انجام هرکاری مرا حمایت میکند		
	همسرم در مواقع اضطراری کنار من است		
	همسرم مرا تحسین و تشویق میکند		
	من با خانواده همسرم رابطه خوبی دارم		
	خانواده همسرم در زندگی پشت و پناه من هستند		
همسرم نسبت به غم و اندوه من بی اعتنا است			
مشارکت اجتماعی	من در کارهای گروهی بسیار موفق هستم	۰/۷۶۵	۰/۷۸۶
	همسرم در کارهای منزل به من کمک میکند		
	من در کارهای مهم با همسرم مشورت میکنم		
	همسرم در تصمیم گیری های مهم با من مشورت میکند		
	در زندگی با همسرم در بیشتر موارد توافق نظر داریم		
	حس میکنم از زندگیم راضی هستم		

مطابق جدول شماره ۲، ضریب پایایی به دست آمده برای متغیر خشونت جنسی و مولفه های مربوطه بالای ۰/۷ بوده و از نظر آماری مورد تایید می باشد.

جدول شماره (۲): ضریب پایایی مولفه های خشونت جنسی

مولفه	گویه ها	ضریب پایایی مولفه ها	ضریب پایایی کل
خشونت فیزیکی	بعد از هر بار رابطه جنسی به دکتر نیاز پیدا میکنم	۰/۷۶۹	۰/۷۷۸
	همسرم هنگام برقراری رابطه جنسی کارهایی انجام می دهد که من علاقه ای به آنها ندارم		
	همسرم در طول برقراری رابطه جنسی برخلاف میل من، دست و پای من را می بندد		
	در هر نوبت رابطه جنسی به ارگاسم نمی رسم		
	همسرم در طول رابطه جنسی به درد کشیدن من توجهی ندارد		
	در رابطه جنسی با همسرم، علیرغم میل من، بدنم را زخمی میکند		
	همسرم در هنگام قاعدگی برخلاف میل من، بامن رابطه جنسی برقرار می کند		
	همسرم در هر نوبت رابطه جنسی برخلاف میل من، خواستار رابطه جنسی مقعدی است		
	همسرم علیرغم میل من، من را اجبار به دست زدن و لمس اندام تناسلی خود می کند		
خشونت روانی	همسرم اندام تناسلی من را مسخره می کند	۰/۷۸۴	۰/۷۷۸
	همسرم جلوی من، برخلاف میل من، از اندام جنسی زنان دیگر تعریف می کند		
	همسرم در مقابل دیدگان من در فضای عمومی از نظر جنسی مزاحم زنان دیگر می شود		
	همسرم نسبت به اندام من بی اعتنا است		
	همسرم در طول برقراری رابطه جنسی، علیرغم میل من، به من فحاشی می کند		
	از برقراری رابطه جنسی با همسرم لذت نمی برم		
	همسرم فانتزی های جنسی خطرناکی از من میخواهد که برخلاف میل من است		

۸. یافته های تحقیق

۱.۸. یافته های توصیفی

بر اساس یافته های تحقیق، شغل ۵۲/۳ درصد پاسخگویان خانه دار بوده است، همچنین ۲۰/۵ درصد آنها مشغول به تحصیل، و ۱۸/۲ درصد سایر مشاغل را داشته اند. در بین نمونه های آماری مورد مطالعه، ۵۴/۵ درصد پاسخگویان دارای مدرک لیسانس بوده اند، همچنین ۳۶/۴ درصد شوهران پاسخگویان نیز مدرک لیسانس داشتند، در واقع مدرک لیسانس در بین پاسخگویان و شوهرانشان بیشترین فراوانی را داشته است. طبق یافته های تحقیق، ۱۵/۹ درصد درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان بالای ۱۱ میلیون بوده است و ۳۸/۶ درصد آنها درآمدشان بین ۵-۱۱ میلیون بوده است. میانگین سن زنان مورد مطالعه، با در نظر گرفتن حداکثر سن ۶۰ سال به بالا و حداقل آن ۱۸ سال ۳۷/۸ سال بوده است.

نتایج حاصل از سنجش متغیر سرمایه اجتماعی حاکی از آن است که میانگین حاصل متغیر تعهد اجتماعی با حداکثر ۱۴ و حداقل ۹/۴،۷۵ برآورد شده است. میانگین میزان حمایت های دریافتی که زن از خانواده ۲۴/۴۸، گزارش شده است. میانگین حاصل متغیر مشارکت اجتماعی با توجه به حداکثر ۳۳ و حداقل ۱۶، ۲۵/۰۴ بوده است. میانگین سرمایه اجتماعی کل نیز در بین آزمودنی ها، با ماکزیمم ۷۹ و مینیمم ۴۵، برابر با ۵۹/۲۹ برآورد شده است (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳): آماره های توصیفی متغیر سرمایه اجتماعی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات
تعهد اجتماعی	۹/۷۵	۲/۷۸	۰/۴۳۱	۱۴	۴	۱۰
حمایت اجتماعی	۲۴/۴۸	۴/۳۳	۰/۲۷۶	۳۴	۱۶	۱۸
مشارکت اجتماعی	۲۵/۰۴	۴/۱۹	۰/۰۹۴	۳۳	۱۶	۱۷
سرمایه اجتماعی	۵۹/۲۹	۷/۷۵	۰/۶۴۳	۷۹	۴۵	۳۴

نتایج یافته های توصیفی متغیر خشونت جنسی نشان داد که میانگین حاصل بعد خشونت جنسی-فیزیکی با حداکثر ۴۰ و حداقل ۲۰ برابر با ۲۷/۶۰ باشد. ب): میانگین بعد خشونت کلامی-روانی برابر با ۲۰/۹۳ برآورد شده است. میانگین خشونت جنسی کل نیز، در بین آزمودنی ها با حداکثر ۵۱ و حداقل ۳۵ برابر با ۴۵/۷۴ می باشد (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴): آماره های توصیفی متغیر خشونت جنسی

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات
خشونت جنسی-فیزیکی	۲۷/۶۰	۳/۴۸	۰/۴۳۳	۴۰	۲۰	۲۰
خشونت جنسی-کلامی	۲۰/۹۳	۲/۵۳	۰/۳۹۹	۲۴	۷	۱۷
خشونت جنسی	۴۵/۷۴	۳/۲۹	۰/۱۱۵	۵۱	۳۵	۱۶

۲،۸. یافته های استنباطی

۱،۲،۸. آزمون همبستگی

جهت سنجش همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی از ضریب همبستگی ۲ پیرسون استفاده شده است. یافته ها حاکی از آن است که همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی و مولفه های سه گانه شامل تعهد اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی با متغیر خشونت جنسی و مولفه های دوگانه مشتمل بر خشونت جنسی فیزیکی، خشونت جنسی روانی با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ به تایید رسید؛ نوع رابطه ها نیز منفی و معکوس برآورد شده است. به این معنا که با افزایش سرمایه اجتماعی و مولفه های مربوطه، میزان خشونت جنسی (فیزیکی و روانی)، رو به کاهش می گذارد، برعکس، با کاهش میزان سرمایه اجتماعی در بین نمونه مورد مطالعه، خشونت جنسی روند صعودی خواهد داشت (جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵): آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و خشونت جنسی

خشونت جنسی		خشونت جنسی روانی		خشونت جنسی فیزیکی		سرمایه اجتماعی
سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	
۰/۰۰۰	**-/۴۰۲	۰/۰۰۰	**-/۳۹۹	۰/۰۰۰	**-/۴۵۲	تعهد اجتماعی
۰/۰۰۰	**-/۳۷۴	۰/۰۰۰	**-/۳۸۵	۰/۰۰۰	**-/۴۶۹	حمایت اجتماعی
۰/۰۰۰	**-/۳۲۸	۰/۰۰۰	**-/۳۲۱	۰/۰۰۰	**-/۳۶۳	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	**-/۴۱۴	۰/۰۰۰	**-/۳۶۰	۰/۰۰۰	**-/۴۴۱	سرمایه اجتماعی

** : معنی داری در سطح ۰/۰۱ / * : معنی داری در سطح ۰/۰۵ / *** : عدم معنی داری

۲،۲،۸. تحلیل رگرسیونی چندمتغیره

در پژوهش حاضر برای سنجش تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته خشونت جنسی علیه زنان از تحلیل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است، براساس نتایج، خطی بودن رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته بر اساس معناداری آزمون تحلیل واریانس، به اثبات رسیده است، به این معنا که متغیرهای مستقل توان پیش بینی و تبیین تغییرات متغیر خشونت جنسی علیه زنان را دارند. همچنین استقلال خطاها بر اساس آماره دوربین واتسون محقق شده است؛ منظور این که باقی مانده ها، مستقل از هم می باشند. عدم هم خطی متغیرهای مستقل نیز، با توجه به مقادیر شاخص های تولرانس^۱ (نزدیک به عدد یک) و شاخص تورم واریانس^۲ (کوچک تر از عدد دو)، از نظر آماری مورد تایید می باشد. متغیرهای مستقل در مدل رگرسیونی، شامل تعهد اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی به ترتیب بیشترین تاثیر را بر متغیر خشونت علیه زنان داشته اند. تاثیر تمامی متغیرها از نظر معنادار بوده و نوع تاثیرات نیز منفی و معکوس می باشد. همچنین، متغیرهای مستقل در تحلیل رگرسیونی، براساس ضریب تبیین اصلاح شده، ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش بینی نموده اند (جدول شماره ۶).

جدول شماره (۶): آماره های تحلیل رگرسیونی چند متغیره خشونت جنسی

بررسی هم خطی		P-Value	آماره t	ضریب (Beta)	متغیر	
شاخص تورم واریانس	تولرانس					
۱/۲۰	۰/۹۳۹	۰/۰۰۰	-۹/۰۱	-/۴۴۵	تعهد اجتماعی	
۱/۱۹	۰/۹۴۴	۰/۰۰۰	-۸/۸۹	-/۴۲۱	حمایت اجتماعی	
۱/۲۷	۰/۹۳۱	۰/۰۰۰	-۸/۳۷	-/۳۸۷	مشارکت اجتماعی	
ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده		آماره دوربین - واتسون		P-Value	آماره F	کل مدل

1. Tolerance
2. Variance Inflation Factor

$R = 0.701$ $R \text{ Square} = 0.438$ $\text{Adjusted } R \text{ Square} = 0.430$	۱/۵۹	۰/۰۰۰	۲۹/۶۲	رگرسیون
--	------	-------	-------	---------

۹. بحث و نتیجه گیری

خشونت در خانواده علیه زنان مانع اصلی در سلامت و تحکیم بنیان خانواده است، چراکه در صورت گسست روابط زوجین، استحکام خانواده از بین خواهد رفت و این نهاد دچار آسیب های اجتماعی عدیده ای خواهد شد. از آن جا که زنان عنصر اصلی یک خانواده به شمار می روند و وظیفه تربیت نسل های آینده و استوار نگه داشتن بنیان خانواده را بر عهده دارند، لذا پژوهش در راستای خشونت علیه این قشر آینده ساز یعنی خشونت جنسی که طریق شوهران اعمال می شود و به عنوان یک آسیب اجتماعی پنهان گریبان گیر آنان است بیش از پیش ضروری می نماید. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف مطالعه جامعه شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت جنسی علیه زنان متاهل شهر قزوین انجام شده است.

چارچوب نظری پژوهش حاضر مطابق با دیدگاه نظری جامعه‌شناسانی چون بوردیو، کلمن، فوکویاما، پاتنام، لین و تنظیم شده است. طبق نظریات کلمن، بوردیو، پاتنام؛ سرمایه اجتماعی مجموعه ارزش ها و هنجارهای هستند که فرد در ارتباط و مشارکت در یک گروه آنها را فرا می گیرد و انجام می دهد. مبنا و اساس تمام این هنجارها مفهومی است بنام اعتماد و تعهد به شبکه. شبکه از نظر آنان چیزی فراتر از یک ارتباط و کنش متقابل است و سرمایه اجتماعی خود از طریق ارزش ها و هنجارها باعث شکل گیری شبکه خواهد شد که نهایتاً در درون شبکه‌های اجتماعی، پیوندها و تعاملات و مشارکت و همکاری تسهیل و برقرار و در مواقع لزوم، حمایت‌های اجتماعی اعم از مادی، عاطفی و اطلاعاتی مبتنی بر اعتماد بین فردی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در راستای محتوای نظریه‌های متفکران اجتماعی مذکور، می‌توان اذعان نمود از آنجا که سرمایه اجتماعی پیونددهنده ارتباطات در جامعه و خانواده است، پس می‌تواند باعث انسجام خانواده شود و مشارکت و احساس مسئولیت افراد خانواده نسبت به یکدیگر را بالا برده و افراد نسبت به سلامتی یکدیگر و مسائل زناشویی خود بیشتر حساس باشند. بدین طریق، خشونت های جنسی، فیزیکی و روانی و کلامی کاهش یافته و زنان در خانواده به دلیل رنگ پوست، یا فرم بدن و غیره تحقیر نمی گردند. بدین ترتیب علاقه زنان به برقراری رابطه جنسی بیشتر شده و همانطور که رابطه جنسی، باعث افزایش میزان عشق و عاطفه در بین زوجین می شود به مراتب باعث علاقمندی و مطلوب شدن رابطه زن و شوهر را با یکدیگر می شود و نهایتاً، موجبات استحکام خانواده فراهم می گردد. بطورکلی، سرمایه اجتماعی با ایجاد حس همکاری و اعتماد بین افراد موجب تقویت رفتارهای مطلوب اجتماعی در جامعه می گردد و می توان گفت افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه منجر به کاهش رفتارهای نامطلوب اجتماعی می شود. برعکس، در جوامعی که روابط شبکه ای ضعیفی میان افراد برقرار است، قربانیان خشونت جنسی از روابط اجتماعی شبکه‌ای ضعیفی برخوردارند. مطابق نتایج بدست آمده از این پژوهش نیز بین سرمایه اجتماعی و مولفه های مربوطه با متغیر خشونت جنسی علیه زنان ارتباط معناداری حاصل آمده است در این میان، برخورداری از سرمایه مذکور، باعث می شود زوجین ضمن حمایت و همکاری متقابل،

در زندگی عاطفی و جنسی خود موفق تر عمل نمایند و با درک و تعهد متقابل زندگی شاداب تر و دور از هر نوع خشونت داشته باشند. پس نتایج حاصل از این پژوهش با محتوای نظریات فوق و بخشی از نتایج تحقیقات شریفیان ثانی (۱۳۸۰)، ملکی و نژاد سبزی (۱۳۸۹)، یعقوبی و رؤفی (۱۳۹۳)، عباسی اسفجیر (۱۳۹۵)، قیاسی و همکاران (۱۳۹۸)، رزاقی و همکاران (۱۳۹۹)، هاگ (۲۰۱۲)، ژانگ وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، مرو و همکاران (۲۰۱۷)، سیما و یاس (۲۰۱۷)، تامپسون (۲۰۱۸)، بانارجی (۲۰۱۸)، می باشد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر، معناداری تاثیر سرمایه اجتماعی در تبیین خشونت جنسی علیه زنان می توان پیشنهادت زیر را در راستای کاهش پدیده خشونت جنسی علیه زنان ارائه نمود:

- برخورداری زنان متاهل از حمایت‌های اجتماعی در قالب حمایت‌های مادی، عاطفی، اطلاعاتی و مشورتی به ویژه از سوی خانواده پدری و خانواده پدرشهری بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مشاوره‌ای از سوی نهادهای ذی‌ربط نظیر نهاد آموزش و پرورش، دانشگاه، بهزیستی، سازمان جوانان، در راستای آشنایی و افزایش اطلاعات زوجین با حوزه مسائل و نیازهای جنسی

- تقویت بیش از پیش مقوله اعتماد و تعهد بین‌شخصی در زندگی مشترک به ویژه توسط زوجین جوان و تاکید بر این مهم که اعتماد به عنوان اساس و پایه نهاد خانواده می‌تواند منبع مهمی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی من جمله خشونت از نوع جنسی باشد.

- بالابردن سطح آگاهی زوجین نسبت به پیامدهای روانی، جسمانی و اجتماعی خشونت جنسی با تاکید بر این موضوع که بسیاری از پیامدهای این نوع خشونت تاثیر پایداری در زندگی زناشویی خواهد داشت.

- افزایش میزان مشارکت اجتماعی زوجین در فعالیتهای جمعی در قالب فعالیت‌های ورزشی، هنری، تفریحی، آموزشی

- تلاش در راستای حل مشکلات زناشویی با توسل به فرهنگ تعامل و گفتگو و تعهد در خانواده به جای توسل به خشونت

کلام آخر این که زوجین بایستی در جهت تقویت سرمایه اجتماعی (مشمول بر مولفه‌های تعهد اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی)، در زندگی مشترک خود برنامه‌ریزی‌های لازم را به عمل آورند و در این راستا، نسبت به زندگی خود وفادار باشند و در هر شرایطی حمایت یکدیگر را نسبت به هم دریغ نوزند و با مشارکت در تمام امور زندگی موجبات استحکام و آرامش در خانواده را فراهم نمایند.

کتابنامه

- ابوالحسن تنهایی، حسین، حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۸۸)، بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران، علوم رفتاری، شماره ۱، دوره ۱، صص: ۵۲-۲۹.
- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، تهران: مهدی اختر محقق.
- ارشدی، علی یار، ملکی، وحید، سعیدی روشن، حمیده (۱۳۹۲)، خشونت از منظر جرم‌شناسی؛ عوامل گرایش و راهکارهای مقابله با آن، شماره ۲۲، دوره دوم، سال ششم، صص: ۱۴۶-۱۶۹.

- آشنا، حمید، بیگی، جمال (۱۳۹۸)، جرم‌انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی با تکیه بر اسناد بین‌المللی حقوق بشری، مقاله علمی-پژوهشی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره دو (۶۲)، سال شانزدهم.
- السان، مصطفی (۱۳۸۵)، جرم‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۱، سال پنجم، صص: ۱۴۱-۱۶۳.
- الوانی، سیدمهدی، سیدنقوی، میرعلی (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۴ و ۳۳ پیاپی، دوره ۹، صص: ۹-۲۶.
- باقری، فاطمه، صدیق اورعی، غلامرضا، یوسفی، علی (۱۳۹۴)، تعهد اجتماعی: مفهومی جدید در عرصه علوم اجتماعی یا معنایی کهن در تاریخ اندیشه بشری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اجتماعی، شماره دوم، سال سوم، صص: ۱۴۴-۱۰۸.
- بنی فاطمه، حسین، عباس زاده، محمد، علیزاده اقدم، محمد، محمدپور، نیر (۱۳۹۷)، استرس و خشونت فیزیکی مردان علیه زنان: یک تحقیق کیفی، زن در توسعه و سیاست، شماره ۴، دوره ۱۶، صص: ۵۸۱-۶۰۲.
- حقیقتیان، منصور، عبداللهی، منیژه (۱۳۹۰)، عوامل موثر بر تعهد اجتماعی در بین دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر اصفهان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره چهارم، سال سوم، صص: ۶۶-۷۴.
- دلپسند، کامل، ایار، علی، خانی، سعید، محمدی، پریخان (۱۳۹۱)، حمایت اجتماعی و جرم: مطالعه تطبیقی جوانان مجرم و عادی شهر ایلام، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، شماره ۲، دوره اول، صص: ۸۹-۱۲۰.
- رزاقی، نادر، پورحسین، مسعود، بابایی، انسیه، انتظاری، سهیلا (۱۳۹۹)، بررسی رابطه رضایت جنسی با تعارضات زناشویی زنان، مجله مطالعات ناتوانی، شماره ۶۰، سال ۱۰، صص: ۲-۴.
- زاهدی، محمدجواد، ملکی، امیر، حیدری، امیرارسلان (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۸، سال هفتم، صص: ۷۹-۱۰۶.
- زنجانی زاده، هما، صالح آبادی، ابراهیم، جعفریان یزدی، ندا (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت خانگی علیه زنان در مشهد، فصلنامه توسعه اجتماعی، شماره ۲، دوره ۹، صص: ۴۶-۷.
- سادات میری، هانیه، دادور، رحمت اله (۱۳۸۹)، بررسی عوامل فردی-اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان متاهل (ناحیه ۶ شهر مشهد در سال ۱۳۸۸-۸۹)، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی، شماره بیست و هشتم، سال هفتم.
- ساریچلو، محمدابراهیم، قافله باشی، سید حسین، کلانتری، زهرا، مرادی بگلویی، محمد، جهانی هاشمی، حسن (۱۳۸۸)، خشونت های خانگی علیه زنان و مداخله جهت پیشگیری در منطقه مینودر و کوثر قزوین، مجله علمی دانشگاهی علوم پزشکی قزوین، شماره ۴، سال سیزدهم، صص: ۲۰-۲۳.
- سوری، علی (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی سنجش سرمایه اجتماعی در ایران، فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۲۰، صص: ۱۰۷-۱۲۹.
- شامحمدی، مریم (۱۳۹۶)، تبیین اجتماعی خشونت علیه زنان در ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، شماره دوم، دوره سوم، صص: ۷۲-۸۳.

- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، رفاه اجتماعی، شماره ۲، دوره ۱، سال ۱، صص: ۵-۱۸.
- شکریگی، عالیبه، مستمع، رضا (۱۳۹۳)، فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون خشونت علیه زنان، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۲، دوره پانزدهم، صص: ۱۵۳-۱۷۷.
- شیانی، ملیحه، موسوی، میرطاهر، مدنی قهقرخی، سعید (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی جوانان در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۳، دوره ۱، صص: ۵۷-۸۴.
- عباسی اسفجیر، علی اصغر، رئوفی، لیلیا (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر خشونت علیه زنان در خانواده در شهر بابل، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره چهل و ششم، تابستان ۹۵، صص ۹۱-۱۱۳.
- علمی، محمود، تیغ زن، خدیجه، باقری، ربابه (۱۳۸۷)، تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی در بین دانش آموزان دبیرستان های دخترانه و پسرانه شهر عجبشیر)، مطالعات جامعه شناسی، شماره ۱، دوره ۱، صص: ۲۵-۴۶.
- علیوردی نیا، اکبر، ریاحی، محمداسماعیل، فرهادی، محمود (۱۳۹۰)، تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمون تجربی، مسائل اجتماعی ایران، شماره دوم، سال دوم، صص: ۹۵-۱۲۷.
- عنایت، حلیمه، دهقانی، عبدالرحیم (۱۳۹۱)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان (مطالعه موردی: شهرستان کهگیلویه)، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی: واحد شوشتر، شماره ۱۸، سال ششم، صص: ۱۰۴-۸۵.
- قیاسی، مجتبی، سرلک، احمد، غفاری، هادی (۱۳۹۸)، تاثیر متقابل سرمایه اجتماعی و سلامت در استان های کشور، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، شماره ۳۱، دوره ۹، صص: ۱۳۰-۱۱۵.
- محمدی، فائزه، میرزائی، رحمت (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱، دوره ۶، صص: ۲-۲۰.
- ملکی، امیر، نژادسبزی، پروانه (۱۳۸۹)، رابطه ی مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره دوم، سال اول، صص: ۳۱-۵۳.
- ملکی، امیر، نژادسبزی، پروانه (۱۳۸۹)، رابطه ی مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره دوم، سال اول.
- نریمانی، محمد، آقامحمدیان، حمیدرضا (۱۳۸۴)، بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن در میان خانواده های ساکن شهر اردبیل، فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره بیست و هفتم و بیست و هشتم، سال هفتم، صص: ۱۰۷-۱۱۳.
- نوغانی، محسن، اصغرپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی، فرآیند مدیریت و توسعه، شماره ۶۸-۶۹، صص: ۳۳-۵۳.

-نیکدل، فریبرز، جاودانیان، صادق (۱۳۹۸)، طرحواره های شناختی پرخاشگر، شیوه های کنترل خشم و رضایت جنسی با گرایش مردان به خشونت علیه زنان، پژوهش های روان شناسی اجتماعی، شماره ۳۳، دوره ۹، صص: ۳۵-۵۲.

-یعقوبی دوست، محمود، عنایت، حلیمه (۱۳۹۰)، بررسی جامعه شناختی عوامل موثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان (مورد مطالعه: دبیرستان های دخترانه شهر اهواز)، زن و مطالعات خانواده، شماره ۱۴، سال چهارم، صص: ۱۴۳-۱۷۲.

-یعقوبی، علی، رئوفی، لیلا (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان خشونت علیه زنان (مطالعه موردی زنان متاهل شهر خلخال)، مطالعات علوم اجتماعی ایران، شماره سی و نهم، سال دهم، صص: ۱۲۱-۱۴۰.

-یونسی، فاطمه، جعفری، فاطمه (۱۳۹۷)، خود مراقبتی و پیشگیری از آزارهای جنسی، معاونت دانشجویی مرکز مشاوره دانشجویی، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری دفتر مشاوره و سلامت.

-Abder, R., Hasan, O. s., Hafsah, R. j., Salameh, I. (2017). Role of forensic medicine in evaluating non- fatal physical violence against women by their husbands in Jordan, *Journal of Forensic and Legal Medicine*, (49), 33-36.

-Abebe, K.Z., Jones, K., Ciaravino, S., Ripper, L., Paglisotti, T., Morrow, S. E., Grafals, M., Dusen, C. V., Miller, E. (2017). A cluster- randomized trial of a middle school gender violence prevention program: Design, rationale, and sample characteristics, *Contemporary Clinical Trials*, (62), 11-20.

-Ahnlund, P., Andersson, T., Snellman, F., Sundström, M., & Heimer, G. (2020). Prevalence and Correlates of Sexual, Physical, and Psychological Violence Against Women and Men of 60 to 74 Years in Sweden. *Journal of Interpersonal Violence*, 35(5-6), 1539-1561.

-Banarjee, S. (2019). Identifying factor of sexual violence against women and protection of their rights in Bangladesh, *Journal Pre- Proof*.

-Hernández, W., Dammert, L., & Kanashiro, L. (2020). Fear of crime examined through diversity of crime, social inequalities, and social capital: An empirical evaluation in Peru. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 53(4), 515-535.

-Koga, C., Hanazato, M., Tsuji, T., Suzuki, N., & Kondo, K. (2020). Elder abuse and social capital in older adults: The Japan Gerontological evaluation study. *Gerontology*, 66(2), 149-159.

-Lee, s. (2017). Social capital and health at the country level, *Social science journal*.

-O' leary. K., Heyman, D., Neidig, P. (1999). Treatment of wife abuse: A comparison of Gender-specific and conjoint Approaches, *Behavior Therapy* (30), 475-505.

-Sommerfeldt.E., Mauraeen, T. (2011). A social capital approach to improving public relations efficacy: Diagnosing internal constraints on external communication, *Public Relations Review*, (37), 197-206.

-Stieglitz, j., Gurven, M., Kaplan, H., Winking, j. (2012). Infidelity jealousy and wife abuse among Tsimane forager- farmers: testing evolutionary hypotheses of marital conflict, *Evolution and Human Behavior*, 438-448.

-Sukeri, S., Normanize, N. (2017), Escaping of domestic violence: A qualitative study of women who left their abusive husbands, *Journal Talbah University Medical sciences*, 1-6.

-Thompson, M. (2018). Social capital Innovation and Economic Growth, *Department Economics*, 4710-4757.

-Vyas, S. (2017). Marital violence and sexually transmitted infections among women in post-revolution Egypt, *Sexual & Reproductive Healthcare*, (13), 68-74.